

به نام خداوند جان و خرد

بپرسید، بشنوید و پولدار شوید

این کتاب از منابع مختلفی که توسط رابرت و کیم کیوساکی
نوشته شده، ترجمه و گردآوری شده است.

گردآورنده:

ابوالفضل طاهریان ریزی



سرشناسه: طاهریان ریزی، ابوالفضل، ۱۳۵۲- گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: بپرسید، بشنوید و پولدار شوید! / گردآورنده ابوالفضل طاهریان ریزی.
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ص: مصور: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک: ۹-۱۸۲-۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر از منابع مختلفی که توسط رابرت و کیم کیوساکی نوشته شده، ترجمه و گردآوری شده است.
موضوع: سرمایه‌گذاری
موضوع: Investments
موضوع: کارآفرینی
موضوع: Entrepreneurship
شناسه افزوده: کیوساکی، رابرت تی. ۱۹۴۷ - م.
شناسه افزوده: Kiyosaki, Robert T.
شناسه افزوده: کیوساکی، کیم
شناسه افزوده: Kiyosaki, Kim
رده‌بندی کنگره: HG ۴۵۲۱
رده‌بندی دیویی: ۳۳۲/۶
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۱۳۴۴



«بپرسید، بشنوید و پولدار شوید!»

● گردآورنده: ابوالفضل طاهریان ریزی

- ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد
- قیمت: ۷۰/۰۰۰ تومان ● تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: شهر
- شابک: ۹-۱۸۲-۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸ ● شابک الکترونیک: ۶-۱۸۳-۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۱۰۰۷۰۸۷ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست

- فصل ۱: چگونه به آنچه می‌خواهیم برسیم؟..... ۵
- فصل ۲: آیا با پول می‌توان شادی را خرید؟..... ۱۳
- فصل ۳: آیا باید از ثروتمندان مالیات بیشتری گرفت؟..... ۲۷
- فصل ۴: آیا همهٔ طرح‌های پونزی غیرقانونی هستند؟..... ۴۱
- فصل ۵: چگونه می‌توان به استقلال مالی دست یافت؟..... ۵۳
- فصل ۶: نکات طلایی برای سرمایه‌گذاری موفق در املاک و مستغلات
چیست؟..... ۶۵
- فصل ۷: پنج سئوالی که افراد موفق هر صبح از خود می‌پرسند..... ۷۷
- فصل ۸: چگونه مدیتیشن و نگارش در زندگی ثروتمندان منجر به الهام
می‌شود؟..... ۹۱

مقدمه

یکی از ترفندها و شگردهایی که هر کارآفرین کار کشته بر آن تکیه دارد، استفاده از راهنمایی‌ها و راهکارهای ارایه شده توسط افراد خبره و باتجربه و اجرای آنهاست.

وقتی پای صحبت هر یک از میلیاردهای بزرگ می‌نشینید آنها را افرادی ساده می‌بینید که فارغ از وضعیت فوق‌العاده مالی و جایگاه بی‌نظیر اجتماعی بسیار ساده وار به مسائل نگاه می‌کنند و خود را آماده یادگیری مهارت‌های تازه و جدید نشان می‌دهند. همانطور که در فصل ۶ این کتاب نیز به آن اشاره شده، ساده بودن یکی از خصوصیات منحصر به فرد میلیاردرهاست که بسیار باید مورد توجه قرار گیرد.

در این کتاب سعی گردیده پاسخ‌هایی بسیار آموزنده به سئوالاتی حیاتی از ثروتمندان جمع‌آوری گردد. پاسخ‌هایی که هر یک می‌تواند مسیر زندگی بسیاری از افراد را به سمت موفقیت رهنمون کند؛ که امیدواریم شما هم یکی از آنها باشید.

رابرت و کیم کیوساکی با تجربه فراوان خود در کارآفرینی و سرمایه‌گذاری‌های مختلف و تکیه بر ناکامی‌ها و پیروزی‌های خود در غالب این کتاب سعی کرده‌اند همراهی مطمئن برای شما در مسیر پولسازی باشند. این کتاب برای اولین بار توسط انتشارات طاهریان به عنوان نماینده رسمی شرکت پدرپولداری در دنیا جمع‌آوری و تدوین گردیده که امید است مورد استفاده مناسب شما قرار گیرد.

همیشه پویا باشید

انتشارات طاهریان

فصل ۱

چگونه به آنچه می‌خواهیم برسیم؟



نویسنده: کیم کیوساکی

مثلث سه وجهی A می‌تواند به شما در رسیدن به

رؤیاهایتان کمک کند

من سالها در هاوایی زندگی کردم، همیشه از کسانی که قادرند موج‌سواری کنند پشتیبانی می‌کنم. من چند بار هیئت مدیره دوستانم را به امانت گرفتم، اما آن را دریافت نکردم.

چندی پیش، رابرت که با موج‌سواری در هیلو، هاوایی بزرگ شده بود، یک تخته موج‌سواری خرید و می‌خواست آن را در امواج امتحان کند. من هم می‌خواستم به او بپیوندم و با ۱۰ دلار در ساعت یکی از آن تخته‌های موج‌سواری مبتدی و بلند را اجاره کردم. هر دو با دست و پا به سمت امواج حرکت کردیم. حدود یک ساعت تلاش کردم، اما به هیچ موجی نزدیک نشدم.

من به سمت چپ خود نگاه کردم و متوجه شدم که یک مربی موج‌سواری محلی با سه بچه کوچک تمرین می‌کند. پس نزدیک‌تر رفتم تا بهتر بشنوم. او مراحل موج‌سواری را از دراز کشیدن روی تخته، بلند شدن روی زانو و سپس ایستادن به آنها آموزش داد. من تمام آنچه او به آنها آموزش می‌داد را یاد گرفتم.

در این حالت مربی نگاهی به من انداخت و گفت: "امروز می‌خواهی موج‌سواری کنی؟" سرمو تکان دادم پس او گفت: "خوب، فقط آنچه را که می‌گویم انجام بده."

با خودم فکر کردم: "من می‌توانم این کار را انجام دهم." او گفت: "آماده باش." "موجی در راه است دست و پا بزن!" او فریاد زد. "دست و پا بزن! دست و پا بزن سخت‌تر، سخت‌تر!" تا جایی که می‌توانستم پا زدم، اما موج از کنار من گذشت؛ و من فقط نگاه کردم.

او گفت: "وقتی می‌گویم پا بزن، منظورم پا زدن است." "شما از موج جا ماندی. آیا مطمئن هستی که می‌خواهید این کار را انجام دهید؟" با شک پرسید.

"بله!" من فریاد زدم.

او دستور داد: "پس آنچه را که می‌گویم انجام ده و تسلیم نشو." "در موقعیت قرار بگیرد و پا بزنید!" او فریاد زد. "دست و پا بزن!"

چرا موفق شدم؟

آرزو داشتم موج‌سوار شوم. بدون هیچ‌گونه راهنمایی، از موج‌سواری ناامید و گیج شدم. موج‌ها همچنان می‌آمدند و من نمی‌دانستم چه کنم. موج‌ها پشت سرهم مرا جا می‌گذاشتند. تنها چیزی که لازم بود کمی یادگیری، کسب برخی از مهارت‌ها و دانستن اینکه چه باید کرد.



دست و پا زدن، ردگیری امواج و دست و پا زدن سخت‌تر تا زمانی که روی موج قرار بگیرم، تمام مهارت‌های خود را به کار گرفتم تا به رؤیای خود در موج‌سواری رسیدم. و در این فعالیت رازی وجود داشت - نه تنها موج‌سواری کردم، بلکه واقعاً این تجربه را دوست داشتم!

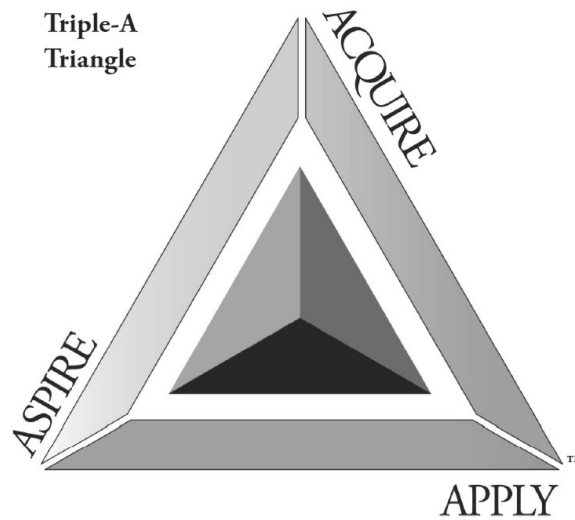
فرمول موفقیت: مثلث سه وجهی

در زندگی، به ویژه در مورد پول و سرمایه‌گذاری، همه به دنبال فرمول موفقیت هستند.

برای بسیاری از بزرگسالان، خواندن، نوشتن و حساب بود. به هر حال، این چیزی است که مدارس ما از آن بسیار ارزشمند می‌دانند. در حالی که این چیزها ارزشمند هستند، اما پایه‌ای هستند، نه بلیطی برای موفقیت. در طول سالها، من طرحی برای موفقیت به نام مثلث سه وجهی ابداع کرده‌ام. این مثلث طرحی است که علاوه بر موج‌سواری، برای سرمایه‌گذاری هم کار می‌کند. باور کنید برای هر چالشی در زندگی می‌تواند به شما کمک کند!

در زیر یک مرور سریع روی آن داریم (می‌توانید در کتاب من، زمان رشد فرا رسیده است دختر!) به طور کامل در مورد آن بخوانید. دانستن هدف مهم نیست، اما درست مثل قایقرانی بیشتر از آنچه فکرش را می‌کردید، برای اجرا باید قاطعیت لازم است.

مثلث سه وجهی A



۱. آرزو کن

رؤیای خود را انتخاب کنید. یک دیدگاه واضح از اینکه رؤیای مالی و آزادی مالی شما در نظر شما چگونه است ایجاد کنید. در طول سفر به چشم‌انداز خود پایبند باشید.

۲. کسب کن

دانش، تحصیلات، حقایق، ارقام و مهارت‌های مورد نیاز برای اقدام را کسب کنید. کسب آموزش همیشه ادامه دارد زیرا بازارها و اقتصاد همیشه در حال تغییر هستند.

۳. درخواست کن

دانش به دست آمده را در دنیای واقعی به کار بگیرید؛ و آنچه که آموخته‌اید را عملی کنید. با مقدار کمی از دانش به دست آمده، می‌توانید به سرعت وارد مرحله عمل شوید. بسیاری از مراحل کاربردی کوچک منجر به یادگیری فوق‌العاده‌ای می‌شود که نتایجی را به همراه خواهد داشت.

یکی از کلیدهای این فرایند آن است که هر روز یک کاری انجام دهید که شما را به رؤیای مالی خود نزدیک‌تر می‌کند - به همین دلیل است که چهارمین مهارت دستیابی است. در تمام طول سفر خود به موفقیت خواهید رسید. با هر پیروزی یا موفقیت به هدف خواهید رسید. مطمئن شوید که هر پیروزی را در طول راه جشن می‌گیرید. آن لحظات موفقیت است که شادی واقعی در آن یافت می‌شود.

تخته موج‌سواری من روی موج بود و موج تخته من را هل می‌داد. من آنقدر هیجان‌زده بودم که تقریباً نشنیدم مربی فریاد می‌زند: «برخیز! همین الان بلند شو!»

از ترس اینکه او دوباره مرا صدا نزند، زانو زدم و سپس بلند شدم. "وای!" من فریاد زدم: "من ایستاده‌ام!" و بعد بلافاصله افتادم! بالاخره من احساس سوار شدن بر موج را تجربه کردم و نمی‌توانستم صبر کنم تا دوباره موج برسد. من دو ساعت بعد در آن آب ماندم و در پایان، من روی تخته واقعاً ایستاده بودم در حالیکه موج‌سواری می‌کردم. آن لحظه را دوست داشتم!

شما باید هر سه کار را انجام دهید

هیچ میانبر برای این فرآیند وجود ندارد. برای رسیدن به اهداف و رؤیاهای خود، هر سه قسمت مثلث سه وجهی باید طی شود. کنفوسیوس در این مورد می‌گوید:

"دانستن و انجام ندادن یعنی هنوز ندانستن."



بسیاری از زنان مرحله آرزو کردن را انجام می‌دهند و وارد مرحله کسب کردن می‌شوند و در آنجا گیر می‌کنند. آنها در همه سمینارها شرکت می‌کنند، همه کتاب‌ها را می‌خوانند و دائماً در حال تحقیق آنلاین هستند. مشکل این است که آنها هرگز وارد مرحله عمل نمی‌شوند. چرا؟

حدس من وجود ترس است - ترس از اشتباه کردن، از دست دادن پول، از اینکه احمق به نظر برسید، از افرادی که می‌گویند: "من که به شما گفتم!"

این ترس‌ها تنها با استفاده از مهارت پس از به دست آوردن آن از بین می‌روند. هر سه مرحله برای رسیدن به رؤیاهای مالی شما ضروری است. در درجه اول مرحله عمل‌گرایی است که بسیاری از افراد را متوقف می‌کند.

این سه مرحله دائماً در حال حرکت هستند. شما از یکی به دومی و سپس به سومی منتقل می‌شوید و سپس کار را تمام می‌کنید. شما آرزو می‌کنید، به دست می‌آورید و بارها و بارها عمل می‌کنید. سپس بیشتر کسب کرده و بیشتر اجرا می‌کنید و بیشتر به دست می‌آورید و بیشتر اعمال می‌کنید، در حالی که چشم‌انداز خود را از آنچه که آرزو دارید حفظ می‌کنید. این یک چرخه پویا و مداوم است.

... و در حالی که هدف یا آرزوی بزرگ خود را دارید، اهداف کوچکتری نیز دارید که به آرزوی اصلی شما می‌انجامد. هر یک از این اهداف مثلث سه وجهی خود را دارند و هر یک پویا و در حالت جریان هستند.

فصل ۲

آیا با پول می‌توان شادی را خرید؟



ضرورت درک آنچه واقعاً برای شما در زندگی مهم است و اینکه پول وسیله‌ای برای رسیدن به آنها است

هر چند وقت یکبار یک کتاب و مقاله جدید درباره پول و خوشبختی صحبت می‌کند.

مثلاً این مطالعه جدید دانشگاه پردو را در نظر بگیرید که می‌گوید شادترین افراد جهان به طور متوسط سالانه ۹۵۰۰۰ دلار درآمد دارند. آنها بیش از ۱/۷ میلیون نفر را از ۱۶۴ کشور مورد بررسی قرار دادند.

یا به این نظرسنجی از ۲۰۰۰ زوج توسط سایت دوستیابی آنلین، eHarmony نگاه کنید که می‌گوید شادترین زوج‌ها مجموعاً بیش از ۲۰۰،۰۰۰ دلار در سال درآمد دارند (ظاهراً تحصیلات بالا و داشتن سه فرزند نیز ضروری ندارد).

این نوع نظرسنجی‌ها سرگرم‌کننده هستند، اما من فکر می‌کنم همه ما می‌دانیم که نمی‌توان روی آنها خیلی زیاد حساب کنید. در همه نظرسنجی‌ها عمدتاً نظرات افراد در مورد میزان خوشحالی آنها وجود دارد در حالیکه تعریف خوشبختی می‌تواند در افراد مختلف متفاوت باشد.

خوشبختی یک شاخص کاملاً شخصی است که به سختی می‌توان از آن به صورت جهانی استفاده کرد. به علاوه، شاخص‌ها همیشه در حال تغییر هستند. درست هشت سال پیش، شادترین مردم جهان ۷۵۰۰۰ دلار درآمد داشتند. این مطلب از مطالعه نظرسنجی‌های گالوپ بر روی ۴۵۰،۰۰۰ آمریکایی در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ است. طبق نظرسنجی دانشگاه پردو، این به معنی "پول فقط برای پرداخت قبوض شما و داشتن غذای کافی برای زنده ماندن است."

آیا پول می‌تواند شادی را برای شما بخرد؟ پاسخ مطالعات و

تحقیقات: شاید.

در حالی که این نوع مطالعات درباره پول و خوشبختی خبرهای خوبی را ارائه می‌دهند، اما برای ارزیابی شادی شما از خودتان چندان امیدبخش نیستند - مگر اینکه با مقایسه خود با دیگران خوشحال شوید.

اما یک چیز خوب که همه این نوع نظرسنجی‌ها وجود دارد درک این است که شما چه نوع شادی را در زندگی دنبال می‌کنید و بخشی از آن این است که بدانید پول برای شما چیست و چرا در وهله اول آن را می‌خواهید. به هر حال پول فقط یک ابزار است. به خودی خود نمی‌تواند کاری انجام دهد. فقط می‌توان از آن برای انجام کارهای مختلف استفاده کرد.

بنابراین، مهم است که تعیین کنید پول برای شما چه معنایی دارد.

پس دوباره می‌پرسم: آیا پول شما را خوشبخت می‌کند؟

اکثر مردم وقت نمی‌گذارند بنشینند و بفهمند که در مورد پول واقعاً چه اعتقادی دارند. برای برخی، پول ریشه همه بدی‌ها است که باید به هر قیمتی از آنها اجتناب شود، در مورد آن صحبت نکرد تا جن‌زده نشد. افرادی که پول در می‌آورند پلید هستند. این صف‌کشی ثروتمندان در برابر فقرا است.

برای بعضی، پول همه چیز است. آنها دوستان، خانواده و صداقت انسانی را برای بدست آوردن آن فدا می‌کنند. این دنیای وحشی و بی‌رحمانه‌ای است.

خوب یا بد، درک ما از پول اغلب زندگی‌مان را شکل می‌دهد. نکته اینکه درک ما از پول اغلب چیزی است که از سنین جوانی به ما منتقل می‌شود و ما بدون نگاه انتقادی دریافت می‌کنیم و به شیوه‌های نامعلوم زندگی ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به همین دلیل، پول اغلب به گونه‌ای بر

ما حکومت می‌کند که نمی‌توانیم بفهمیم، زیرا ما واقعاً پول و نحوه عملکرد آن را درک نکرده‌ایم.

آیا پول چیز بدی است؟

پدر بی‌پول من معتقد بود که عشق به پول منشأ همه بدی‌ها است و سود بیش از حد به این معناست که شما حریص هستید. او باور نداشت که پول می‌تواند شادی را بخرد.

به عنوان مدیر سیستم مدارس هاوایی، وقتی روزنامه‌ها میزان درآمد او را منتشر کردند، خجالت کشید، زیرا احساس می‌کرد در مقایسه با معلمانی که برای او کار می‌کردند، زیادتر است. او مردی خوب، صادق و سخت‌کوش بود که تمام تلاش خود را برای دفاع از این دیدگاه که پول در زندگی مهم نیست، انجام داد.



پدرم تحصیل کرده و در عین حال بی‌پول من، مدام می‌گفت:

- "من علاقه چندانی به پول ندارم."
- "من هرگز ثروتمند نخواهم شد."

- "من نمی‌توانم آن را مدیریت کنم."
- "سرمایه‌گذاری کاری خطرناک است"
- "پول همه چیز نیست."

نگاه قدیمی به پول و خوشبختی

از بسیاری جهات، پدر بی‌پول من به آنچه من دیدگاه قدیمی پول می‌نامم، پایبند بود.

وقتی من جوان بودم، دنیای پول نسبتاً ساده بود. در اکثر موارد، اگر توصیه‌های قدیمی رفتن به مدرسه خوب، داشتن کار خوب، خرید خانه، صرفه‌جویی در پول و سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای متنوع از سهام، اوراق قرضه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک را رعایت می‌شد، می‌توانستید خوب عمل کنید. این توصیه ساده‌ای برای زندگی متوسط بود ... درست همانطور که پدر بی‌پول من می‌خواست.

اما با افزایش سن، دنیای پول پیچیده‌تر شد. دلار از استاندارد پشتوانه طلا حذف شد و باعث ایجاد نوسانات بی‌ثباتی در ارزش آن گردید. برنامه‌های مزایای تعریف شده، معروف به برنامه‌های تأمین اجتماعی توسط کارفرمایان، به نفع برنامه‌های مشارکت مشخص کنار گذاشته شد و این امر مستلزم سرمایه‌گذاری در بازارهای سهام توسط کارمندی است که تحصیلات مالی ندارند. در نتیجه تعداد مشاوران مالی افزایش یافت؛ و دنیای پول به طور فزاینده‌ای جهانی شد و ادامه کار در بازار را دشوارتر کرد.



برای بسیاری از مردم مانند پدر بی پول من، اگرچه قوانین پول تغییر کرد، ولی دیدگاه آنها در مورد پول تغییر نکرد. آنها قاطعانه به قوانین قدیمی خود در مورد پول پایبند بودند، حتی زمانی که برای تأمین استاندارد متوسط زندگی کار نمی کردند، چه برسد به یک بازنشستگی راحت.

بعدها در زندگی، پدر بی پول من از بسیاری چیزها پشیمان شد، از جمله این که او اموال زیادی برای فرزندانش یا درسهای مالی مناسبی برای ارایه به فرزندانش نداشت. من هنوز به یاد دارم که او در هنگام بیماری در بیمارستان با اشک از من و خواهر و برادرم بابت این قصور عذرخواهی کرد.

شکاف دانش پول در بین نسلها

متأسفانه، درست مانند پدر بی پول نسبت به من و فرزندانش، بسیاری از والدین اطلاعات مفیدی را در مورد پول یا نحوه کار با آن را به فرزندان خود منتقل نکرده اند.

طبق نظرسنجی هریس در سال ۲۰۱۶، "تقریباً ۸۰ درصد از نسل هزاره‌ها در بازار سهام، سرمایه‌گذار نمی‌شوند." وقتی پرسیدند چرا:

- ۴۰ درصد گفته‌اند که پول کافی ندارند
- ۳۴ درصد گفتند که نمی‌دانند چگونه؟
- ۱۳ درصد بدهی دانشجویی را مقصر دانستند

همه اینها علائم و بهانه کسانی است که فاقد تحصیلات مالی هستند. اگر شما پول کافی ندارید، به این دلیل است که هرگز به شما آموزش داده نشده است که چگونه در خارج از یک شغل خوب درآمدزایی کنید.



اگر نمی‌دانید چگونه سرمایه‌گذاری کنید به این دلیل است که به شما نحوه عملکرد پول آموزش داده نشده است و احتمالاً به شما گفته شده است که پس‌انداز کنید و خانه بخرید (توصیه قدیمی پول).

اگر آنقدر بدهی دانشجویی دارید که نمی‌توانید سرمایه‌گذاری کنید، نباید این دروغ را باور می‌کردید که برای موفقیت به دانشگاه و مدرسه خوب نیاز دارید (توصیه قدیمی پول).

اینها را با این واقعیت کنار هم بگذارید که نسل هزاره‌ها عاشق خرج کردن هستند. در واقع، یک مطالعه اخیر نشان می‌دهد که "... بیش از سه چهارم نسل هزاره‌ها می‌خواهند لباس، ماشین و ابزارهای تکنولوژیکی مشابه دوستان خود داشته باشند و نیمی از آنها برای پرداخت هزینه‌های اولیه باید از کارت اعتباری استفاده کنند (نیازهای روزمره مانند غذا و آب و برق). بیش از ۲۵ درصد از آنها دیرکرد در پرداخت‌ها داشته‌اند و بیش از نیمی از آنها هنوز نوعی کمک مالی از والدین خود دریافت می‌کنند."

... و سرانجام، همانطور که قبلاً نوشتیم، وضعیت آموزش مالی نیز افتضاح است. تنها ۱۳ درصد از آمریکایی‌ها در مورد پول آموزش دیده‌اند.

خبر خوب برای هر نسلی این است که هنوز دیر نیست که ذهنیت خود را از قوانین قدیمی پول به قوانین جدید پول تغییر دهید. تنها کاری که باید انجام دهید این است که با یک دید متفاوت به پول نگاه کنید که این فقط یک ابزار مهم است.